

'یک انقلاب بدون حقوق؟ زنان، کردان و بهائیان در جستجوی برابری در ایران.'

خلاصه گزارش

ایران مرتباً برای برنامه هسته ای اش درصدر اخبار خبرگزاریها قرار گرفته، اما به کوششهای داخلی در مورد کسب حقوق اجتماعی توجه کافی معطوف نگردیده است. تقریباً ۳۰ سال پس از انقلابی که باعث تاسیس جمهوری اسلامی در ایران شد، دولت هنوز با مسئله تطبیق ایدئولوژی اسلامی با درخواستهای روزافزون مردم برای کسب برابری حقوق اجتماعی مواجه است.

تجربه های زنان، بهائیان و کردان، سه گروهی که با تبعیض روزمره و تعقیب مبنی بر هویتشان مواجه هستند، مسئله برابری حقوق شهروندان در ایران را بطور آشکار بیان می نماید. این گزارش به موانع مذهبی، قانونی و اجتماعی که گروه های نامبرده با آن مواجه هستند نگاهی ژرف دارد. نحوه رعایت قانون اساسی را از طرف دولت جمهوری اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و توجه می کند که چگونه طرز عمل دولت جمهوری اسلامی با زنان و اقلیتهای قومی و مذهبی نامناسب و نابرابر است و با قانون اساسی جمهوری اسلامی و قراردادهای بین المللی که ایران خود آنها را امضا کرده است منطبق نیست.

موانع مذهبی

در ایران دینسالاری حکومت میکند و دولت تحت تسلط گروهی کوچک روحانی با تفسیر محافظ کارانه ای از شیعه قرار دارد. اعضای دین بهائی، بزرگترین مذهب غیر اسلامی در ایران، از طرف این روحانیون بعنوان 'مفسد فی الارض' یا 'مرتد' دیده میشوند و به این دلیل از ورودشان به دانشگاه و شغل دولتی که طبق قانون اساسی از حقوق مسلم هر شهروند است، جلوگیری میشود. نیروهای امنیتی اخیراً دستور دریافت کرده اند که بهائیان را شناسایی کرده و تحت نظارت قرار بدهند [۱]. زنان، از طرفی دیگر، مجبور هستند که استانداردهای سخت 'حجاب' را که با بدرفتاری کلامی و جسمانی و در بعضی مواقع با بازداشت اجرا میشود در معابر عمومی رعایت کنند. اکثریت کردان عضو مذهب سنی اسلام هستند، و دولت فعالانه مانع شیوه های مذهبی آنان میشود، از جمله ساخت مساجد سنی. هنگامیکه مردم ایران و بعضی از روحانیون پیشنهادهای مترقی و یا تفسیری از اسلام ارائه مینمایند که از حقوق مدنی این سه گروه دفاع می کند، دولت به آنان توجهی نمی کند.

موانع قانونی

اگر چه قانون اساسی جمهوری اسلامی "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی" را اعلام میکند [۲]، اما قانون بطور مساوی اجرا نمیکرد. زنان آشکارا با بیشترین تبعیض در قوانین ایران روبرو هستند و در رابطه برابری حقوق مرد و زن، مانند ازدواج و طلاق، حضانت، وراثت و آزادی حرکت، از حقوق کمتری برخوردارند. قضات با استفاده از اختیارات قانونی که به آنها داده شده، قوانین را بر مبنی تفسیر و حکم صادر می نمایند و به این علت زنان، کردان و بهائیان اغلب فاقد حفاظت قانونی هستند. از گواهی و شهادت ساختگی برای محکوم کردن زنان به 'زنا'، کردان برای 'فعالیت علیه امنیت کشور' و یا بهائیان برای 'تبلیغات' علیه دولت جمهوری اسلامی استفاده میشود. در هنگام توقیف افراد و در بازداشت رعایت تشریفات قانونی به عمل نمی آید.

موانع اجتماعی

در حال حاضر موازین اجتماعی و فرهنگی در ایران باعث محرومیت زنان، بهائیان و کردان در جامعه است. کردان بعنوان دشمن ایران دیده میشوند زیرا بخشی از آنان در گذشته برای جدا شدن از ایران جنگیده اند. کردستان نیز از لحاظ اقتصادی رشد کافی نیافته و به نسبت جمعیت از آموزش و پرورش و خدمات دولتی بهره نمبرد [۳]. بهائیان از نابرداری فرهنگی مشابه ای رنج می برند، که با برنامه های درسی متعصب و مقاله های توهین آمیز درباره دین بهائی و تاریخش در روزنامه های دولتی همراه است. اگرچه زنان در زمان حکومت جمهوری اسلامی پیشرفت تحصیلاتی و شغلی کرده اند، دولت هنوز کوشش به محدود کردن انتخاب راههای آموزشی و شغلی می کند. هویت قومی و مذهبی مردم، بعنوان یک زن، بهائی یا کرد و غیره، دید به آنان را تعیین و معمولاً مقام اجتماعی آنان را بر این اساس مشخص می نماید.

نتایج

بطور اساسی، این سه گروه خواستار رفتار یکسان بعنوان شهروندان ایران از طرف دولت هستند. اصلاحات لازم برای رسیدن به این هدف احتیاج به برخورد با موانع مذهبی، قانونی و اجتماعی دارد. دولت باید به مردم و همه روحانیونی که از قوانین اسلامی و مدنی تفاسیر گوناگونی دارند اجازه ابراز نظر بدهد. مدتی است که یک بحث ملی آهسته زمزمه میشود، ولی احتیاج به یک فضای باز عمومی دارد. اصلاحات قانون برای برداشتن موانع برابری مردم در قبال قانون لازم است. چنانچه این اصلاحات صورت گیرد باید ابهامات مربوط به جنایاتی مثل توهین به مقدسات اسلامی و غیره مشخص شود. زنان، بهائیان و کردان و غیره باید بعنوان شرکت کننده گان کامل در زندگی اجتماعی پذیرفته شوند. آزادی تجمع، داشتن فرصت برابر برای تعلیم و تربیت، و دستیابی منصفانه به منابع شغلی، رویای آزادیخواهی هر ایرانی است و اما برای رسیدن به آن راهی بس طولانی در پیش می باشد.

[۱] ۱۹ اوت ۲۰۰۶، نامه ای از وزارت کشور به معاونان سیاسی امنیتی استانداردهای سراسر کشور، <<http://www.bahai.org/persecution/iran/19-08-06>>

[۲] اصل ۸ متمم قانون اساسی مشروطه (۱۹۰۶ میلادی): بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[۳] گزارش عفو بین الملل، "ایران: تعدی های حقوق بشری علیه اقلیت کرد"

<<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/088/2008/en/d140767b-5e45-11dd-a592-c739f9b70de8/mde130882008eng.pdf>>